

## بازنمایی الهه آناهیتا در شواهد باستان‌شناختی

بهروز افخمی<sup>۱\*</sup>، صبا فرج‌زاده<sup>۲</sup>، سید مهدی حسینی‌نیا<sup>۳</sup>

### چکیده

آب در ایران باستان بسیار ارجمند بوده است. برای پاسداری و محافظت از آب، چند ایزد وجود داشته که آناهیتا محبوب‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌آمد. محبوبیت و جایگاه آناهیتا را با بررسی در آثار هنری ایران باستان می‌توان مشاهده کرد. بی‌تردید، وجود و استمرار باورهای اساطیری و مذهبی برآمده از دل فرهنگ و تاریخ ایرانی، مهم‌ترین عامل حضور همیشگی آناهیتاست. بنابراین، نقش آناهیتا نه تنها به‌منزله عنصری تجسمی در هنر، که بیشتر دربردارنده مفاهیمی نمادی و بنیادین بوده است. این تحقیق، به تجزیه و تحلیل تجسمی نقوش آناهیتا و توصیف فضاها و ترکیبات تصویری آن در هنر ادوار تاریخی ایران باستان از قبیل مهرها، سکه‌ها، نقوش برجسته‌ها و ظروف فلزی در دوران ساسانی و مقایسه با مناطق و حوزه‌های فرهنگی دیگر پرداخته است. تحقیق از نوع کیفی و روش آن تحلیلی-تطبیقی است و چنین نتیجه گرفته می‌شود که هستی و وجود تاریخی آناهیتا متعلق به میراث معنوی ایرانی است که صرفاً از جنبه مادی از مناطق و حوزه‌های فرهنگی دیگر چون؛ بابل، فنیقیه، یونان و روم باستان تأثیر پذیرفته است.

### کلیدواژگان

آناهیتا، بازنمایی، زنان، شواهد باستان‌شناسی.

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

۲. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

۳. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

۲. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

۳. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۹

## مقدمه

مهم‌ترین عنصر بشری از بدو خلقت تا به امروز آب بوده است. بر مبنای همین اصل بنیادی استقرارهای کهن بشری در کنار آب‌ها ایجاد شده‌اند. علاوه بر استقرار اجتماعات کوچک انسانی بر اثر مرور زمان، مهم‌ترین تمدن‌ها نیز در کنار آب شکل گرفته‌اند. اهمیت بازتاب آب در میان مردم باستان چنان است که در نخستین افسانه‌های سومری اشعاری در مورد آب سروده شده است. آب از همان ابتدا بی‌واسطه مورد پرستش و احترام قرار می‌گیرد و جویبارها و چشمه‌سارها مقدس شمرده می‌شوند. باور به تقدس آب باوری جهان‌شمول است و تقریباً بین همه ملل و اقوام دیده می‌شود. خدایان آب، جزء خدایان مهم محسوب می‌شدند. در اسطوره‌های بین‌النهرین، «آ» (خدای ایزد آب شیرین زیرزمین) و در هند «سرسوتی» (خدای آب و رود) و نزد ایرانیان، ایزدبانو «آناهیتا» و ایزد «پام نپات»<sup>۱</sup> را می‌پرستیدند. آناهیتا خدایانوی آب‌های توانمند بی‌آلایش و خاستگاه همه آب‌های روی زمین بود و در مأوای آسمانی خود، سرچشمه دریای کیهانی به حساب می‌رفت [۲۱، ص ۳۳۱]. آناهیتا میراث معنوی ایرانی است که اهمیت آب را در قالب و بیان اسطوره در فلات ایران منعکس می‌کند و نشان از سرمایه و ارزش‌های فرهنگی تاریخی است و به نوعی بازتاب‌دهنده اهمیت آب در ریشه‌های جامعه کهن ایرانی است. باور به ارزش آب، پیوندهای عاطفی جامعه با مهم‌ترین عنصر حیات را نشانی می‌دهد. قدمت، استمرار، یادبودی، افسانه‌ای، شگفت‌انگیزی، عاطفی، معنوی، مذهبی و نمادین از ارزش‌های اسطوره آب با محوریت «آناهیتا» هستند. بازنمایی آناهیتا بر مبنای شواهد باستان‌شناختی از آن رو می‌تواند ارزشمند باشد که می‌تواند به منزله ذخیره دانایی و توانایی یک بوم انسانی به شمار آید. ایزدبانوی آناهیتا یکی از نمادهای میراث معنوی ایران و الهه‌های اسطوره‌ای در ایران باستان است. پس از دوره‌ای وارد مذهب می‌شود و با این ورود، نقش مؤثر و پررنگی در متون تاریخی-مذهبی و هنرهای بصری ایفا می‌کند. اهمیت نقش آناهیتا را در فرهنگ ایران می‌توان به تأثیرگذاری این نقش و حضور معنوی آن در اندیشه دینی مبتنی بر نگرهبانی از آب، که عنصر حیات و باروری و تضمین حیات است، در ماندگاری و حمایت از عنصر سلطنت ردیابی کرد. همچنین، در برخی صحنه‌ها، به صورت الهه‌ای که حضوری معنوی و جایگاهی مقدس دارد، به نمایش درمی‌آید و گاهی به صورت الهه‌ای با قدرت در صحنه‌ای سیاسی، همانند دیهیم‌بخشی، ظاهر می‌شود و حضورش را در سیاست تثبیت می‌کند. در برخی صحنه‌ها، آناهیتا به صورت زنی در حال خرامیدن و طنازی نشان داده شده است. جایگاه این ایزدبانو در اسطوره‌ها ایزدبانوی آب است که نگرهبانی آب‌ها به او اختصاص دارد و بر کل آب‌ها حکومت می‌کند. او نه تنها ایزدبانوی همه آب‌های روی زمین، که سرچشمه اقیانوس کیهانی نیز

1. apām napāt

شمرده می‌شود [۱۰، ص ۳۲۱]. این پژوهش، با هدف بازنمایی الهه آناهیتا در شواهد باستان‌شناختی و با تأکید بر دوره ساسانی انجام شده است. اهمیت اسطوره آناهیتا، وضعیت آناهیتا در دوره‌های تاریخی بحث شده و به بازنمایی آن به شیوه توصیفی و تحلیلی پرداخته شده است.

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه بیشتر به جنبه‌های تاریخی و بررسی مفاهیم پرداخته‌اند. رسولی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه دکتری خویش در رشته تاریخ دانشگاه تهران با عنوان «آناهیتا در پارس؛ تحول مفاهیم، مناسک و سازمان دینی در عصر ساسانی»، به آداب و رسوم ساسانیان پرداخته است و به نقش آناهیتا در این رابطه اشاره می‌کند. پورمند و طاووسی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «یزدبانو آب آناهیتا» به بررسی معابد آناهیتا در کنگاور، بی‌شاپور و تخت‌سلیمان و تحلیل آن‌ها می‌پردازند. فرانزکومو (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «آناهیتا یزدبانوی آیین مزدیسنا» به اسطوره آناهیتا در اوستا و ویژگی آن می‌پردازد. شامون، م (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «آناهید: کیش و پراکنش او»، به بررسی پرستش آناهیتا در دوره اردشیر و گسترش این آیین در بابل، شوش، هگمتانه و سارد می‌پردازد. گلشن و اسماعیل‌پور (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «نقش خدایان ایلامی در شکل‌گیری تثلیث یزدی هرمزد- میترا- آناهیتا»، به پیشینه یزدان و یزدبانوان اشاره کرده‌اند و چنین نتیجه می‌گیرند که تثلیث عیلامی پی‌نیکر و کریرشاه و اینوشیشنک در شکل‌گیری تثلیث یزدی هرمزد- میترا و آناهیتا نقش داشته است. محمودی، شفیع‌فر و فولادی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «حیات تاریخی یزدبانوی آناهیتا در شیرین و شکر نظامی»، به بررسی چگونگی و چرایی بازتولید یزدبانوی آناهیتا در منظومه خسرو و شیرین نظامی می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که یزدبانوی آناهیتا از طریق ادبیات عامه در شخصیت خسرو و شیرین و شکر نظامی تبلور یافته و به حیات خود در کالبدی جدید ادامه داده است. همچنین، پژوهش‌های دیگری در متن مقاله استفاده و به آن‌ها استناد شده است. پژوهش حاضر از منظری دیگر به بازنمایی الهه آناهیتا در شواهد باستان‌شناختی پرداخته است.

### روش تحقیق

این تحقیق از نوع کیفی است که با روش توصیفی- تحلیلی و تطبیقی انجام شده است. هدف پژوهش حاضر بازنمایی الهه آناهیتا در شواهد باستان‌شناختی دوره ساسانی بر مبنای نظریه بازنمایی است. بازنمایی مفهومی از افلاطون است. پس از آن، اندیشمندان هر یک از دیدگاه

خود، سهمی در پیدایش مفهوم «بازنمایی میراث» داشته‌اند. افلاطون جهان موجود را بازنمایی و شبیه‌سازی واقعیت ازلی می‌داند [۳۹، ص ۲۸]. دورکیم نمادهای قومی را همچون بازنمودهای جمعی می‌دانست و آن‌ها را ناشی از به هم پیوستن روح جمعی مردم تلقی می‌کرد. این نمادها همچون پرچم، توتم و افسانه‌های ملی، از روح جمعی مردم یک قوم یا به بیانی دیگر یک بوم و گروه فرهنگی سرچشمه گرفته بودند. رابرت باکاک مباحث دورکیم در کتاب *صورت بنیانی حیات مذهبی* را به این صورت شرح داده است:

مراد دورکیم از بازنمودها، باورها، اخلاقیات، ارزش‌ها، اندیشه‌ها و نمادهای فرهنگی مشترک میان گروهی از افراد بشر بود. این مؤلفه‌های فرهنگی در حکم ابزاری جهت بازنمایی معنادار جهان برای اعضای یک گروه خاص فرهنگی عمل می‌کردند [۴، ص ۵۱].

به نظر میرسون:

اسطوره‌ها در زمان خود، طریقه‌ای بودند برای ایجاد حافظه به جهت یادآوری اعمال و سکنات انسان برای خودش. اسطوره گذاری بوده برای صورت‌بندی و شکل‌گیری حافظه که کنش روانی و اجتماعی انسان را شکل دهد. این نوع حافظه، دانایی تام و تمام چیزی است که بود و هست و خواهد بود و به آنچه رجوع و حواله می‌دهد، عمل نیست، بلکه وجود و هستی است؛ عوامل پیش‌آمده و توالی نیست، بلکه نظم و نظامی است که همان اسطوره است [۱۹، ص ۸۴].

زارفا معتقد است:

اسطوره‌ها خالق روایاتی بوده‌اند که جهان زیسته را به آن‌ها ارجاع دهند. به این صورت، روایت‌ها یا داستان‌های قومی و گروهی از مردم تحت‌تأثیر اساطیر آن‌ها قرار می‌گرفتند. به نظر دولوز، بازنمایی یا وانمود به شکلی عمل می‌کند که گونه‌ای شباهت ضرورتاً بر رشته‌های پایه‌ای خود فرومی‌افتد و گونه‌ای هم ذاتی ضرورتاً بر ضرورت اجباری افکنده می‌شود. به این ترتیب، بازگشت ابدی به راستی همان و شبیه است، اما همان و شبیهی وانمود شده، تولید شده در دست وانمودن، از راه کارکرد وانمودن [۴، ص ۸۹].

## آناهیتا در اسطوره‌ها و متون اوستایی

اندیشه‌ها، نمادها و مؤلفه‌های فرهنگی در حکم ابزاری جهت بازنمایی معنادار جهان برای اعضای یک گروه خاص فرهنگی عمل می‌کنند و تأثیراتی واقعی به جای می‌گذارند [۴، ص ۵۱]. آناهیتا در اسطوره‌ها، ایزدبانوی آب‌هاست. ایزدبانوی الهام‌دهنده حاصل‌خیزی خاک است و عنصر آفرینندگی جهان و الهه مادر شناخته می‌شود [۱۰، ص ۱۲۳]. ویژگی «مادری» او به علت این است که او «مادری آب» را بر عهده دارد. معنای مادری آب یکی از روشن‌ترین تعبیرهای رمزی اساطیر است. زندگانی از آب زاده می‌شود و زاده شدن از آب در اصل به معنای زاده شدن از «زهدان مادر» است. آناهیتا در باورهای اساطیری شخصیتی بزرگ، قدرتمند و پاک است. جایگاه وی در اوج آسمان و به تعبیری منزل‌گاه وی طبقه هفتم آسمان است. وی با

جادوگران و ساحره‌هایی که حرمت آب را نگه نداشته و باران را عزیز نمی‌شمردند در نبرد و پیکار بوده و با دیو‌هایی که آب‌انبارها، آب‌گیرها را به خشکی می‌کشاندند، همواره در ستیز بوده است [۳۴، ص ۴۲۴]. به عبارتی، این ایزدبانو در اسطوره سرچشمه زایش و زندگی است، زیرا خداوندگار آب است و آب مایه بقای حیات.

با ظهور زردشت، اصلاحاتی در دین ایرانیان پدید آمد و ایزدبانوان، همچون دیگر ایزدان، اهمیت پیشین خود را از دست دادند [۲، ص ۳۱۲]. همه خدایان کهن به عقب رانده شدند و به حوزه دروغ طرد شدند و نام دیو بر آنها نهاده شد [۴، ص ۱۹۷]، زیرا زردشت در زمان حیاتش جز اهورامزدا هیچ خدایی را به‌عنوان خالق، قادر و نگه‌دارنده مطلق عالم نمی‌شناخت. زردشت شدیداً با مغ‌پرستی مخالفت می‌ورزید و خدایانی چون میترا و آناهیتا را در مقابل اهورامزدا می‌دانست که از خدایان کفار اصنام‌پرست بودند [۲۸، ص ۵۸]؛ اما به سبب دیرینگی و اهمیتی که نزد ایرانیان داشتند، پس از زردشت در آیین مزدیسنا دوباره بازسازی و پدیدار شدند. خدایان آریایی کهن شکوه و جلال خود را به‌عنوان میانجی و فرشتگان اهورامزدا باز پس گرفتند [۴۵، ص ۱۹۷]. علت راه‌یابی خدایانی چون آناهیتا را به دین زردشت، به خیانت پس از مرگ زردشت و پایه‌گذاری دینی به دور از اصول وی نسبت می‌دهند. عده‌ای از محققان این اعتقاد را دارند که مغ‌ها مذهب زردشت را تحریف کرده‌اند و تاریخ این تحریفات را در قرن چهارم ق.م می‌دانند؛ یعنی به دوره‌ای که مغان در دستگاه‌های دولتی قدرت می‌یابند و پرستش ایزدانی کهن همچون میترا، بهرام و آناهیتا را، که شخصیتشان از سوی زردشت کمرنگ شده بود، رواج می‌دهند و آن‌ها را در اوستای صغیر وارد می‌کنند [۱۲، ص ۱۱۷، ۲، ص ۳۳]. به همین دلایلی که بیان شد، ما نام آناهیتا را در گاهان نمی‌یابیم. پس از زردشت، نام ایزدان در یشت‌ها آورده می‌شود و ستوده می‌شوند. در *اوستا*، ایزدبانو آناهیتا به‌صورت دوشیزه‌ای بسیار زیبا، بلندبالا و خوش‌پیکر توصیف شده است؛ ایزدی که به زنان، مسئله ازدواج و عشق پاک و بی‌آلایشی را می‌آموزد که منشأ تشکیل خانواده است و برای خانواده اهمیت فراوانی قائل است. در *اوستا* در میان یسنها، از یسنای ۶۳ تا ۶۹ «آب‌زهر»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. آب زوهر یا «نثار آب» جزئی از مراسم یسناست که پس از اتمام مراسم دعاخوانی یسنه، اجرا می‌شود [۲۲، ص ۱۲۶]. در این یسنها (به‌خصوص بندهای یک تا ۵ یسنای ۶۵)، از آب و ایزدبانوی موکل بر آن - آناهیتا - صحبت می‌شود [۱۶، ص ۲۱]. در میان یشت<sup>۲</sup> ها، یشت پنجم به «ردوی سورناهاید»<sup>۳</sup> اختصاص دارد که آبان‌یشت نامیده می‌شود. آناهیتا ایزدبانویی است که

1. āb – zōr

۲. واژه یشت به معنای «جشن» و واژه‌های «یسن» از نظر لغوی هم‌ریشه با واژه کهن «پرستش و نیایش» در فارسی نو «یزد» است [۳۰، ص ۴۴].

3. Ardvi sura Anahita

در یشت ۵ به شکل دوشیزه‌ای زیبا نمایان می‌شود. در بندهای ۷، ۱۳، ۶۴، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۲۳، ۱۲۶ تا ۱۲۹ نیز بارها اندام برازنده و نیرومند و آرایه‌های زیبا و دل‌نشین او توصیف می‌شود [۳۱، ص ۴۸]. آناهیتا در یشت ۵، نماد آب است و به شکل رودخانه‌ای عظیم ظاهر می‌شود:

بزرگی که در همه‌جا شهره است. کسی که در بزرگی همانند همه آب‌هایی است که در روی زمین جاری است. زورمندی که از کوه هوکریه به دریای فراخکرت فرومی‌ریزد [۳۱، ص ۴۹].

در آبان‌یشت کرده ۶۰ تا ۶۶ در مورد آناهیتا و توانایی او مطالبی آمده است که در ۴ بند آن، آناهیتا چنین توصیف شده است:

بند ۶۰: از برای من ای زردشت اسپنتمان این اردوی سور ناهید را به‌ستای کسی که...

بند ۶۱: او را کشتی‌ران ماهر ستایش نمود وقتی که پل پیروزمند فریدون وی را در هوای به‌صورت یک کرکس به پرواز نمودن واداشت...

بند ۶۲: از این جهت او سه روز و سه شب پی‌درپی بر بالای خانه خویش در پرواز بود، نمی‌توانست فرود آید. در انجام سومین شب او، به سپیده‌دم رسید. درگاه بامداد روشن به اردوی سور آناهیتا ندا درداد.

بند ۶۳: ای اردوی سور ناهید به یاری من بشتاب مرا اینک پناه ده اگر من زنده به زمین آفرید [۲۶، ص ۵۸۸-۵۸۹].

## آناهیتا در متون پهلوی

در متون پهلوی، در دو کتاب بندهش و گزیده‌های زادسپرم و داستان دینیک می‌توانیم درباره آناهیتا و ویژگی‌ها آن اطلاعاتی به‌دست آوریم. در کتاب بندهش می‌خوانیم زمانی که اهورامزدا آب‌ها را آفرید، آب‌ها به‌سوی دریای فراخکرت<sup>۱</sup>، که در جانب جنوب کوه البرز بر بسط زمین گسترده شده بود، سرازیر شدند. آب‌های هزار دریاچه در این دریا جای دارد و هریک از این دریاچه‌ها آبش خواصی جداگانه دارد. دریاچه‌ها در کوچکی و بزرگی یکسان نیستند. پاره‌ای‌شان آن‌قدر بزرگ‌اند که در چهل روز یک سوارکار ورزیده نمی‌تواند گردش را ببیماید. سرچشمه این دریا از قله البرز کوه است که به‌واسطه رود اردوی سور آناهیتا جاری می‌شود تا به کوه هوگر<sup>۲</sup> برسد. از گذر از آن‌همه گذرگاه، برای تصفیه‌شدن کامل به این دریاچه می‌ریزند. در سوی دیگر این دریاچه، معبری قرار دارد که آب‌ها پس از تصفیه‌شدن از آنجا خارج می‌شوند. آن‌گاه یک شاخه از این آب‌ها جدا شده و از کوه «آتوسین دُم»<sup>۳</sup> به دریای فراخکرت جاری شد. بقیه آب‌ها به باران تبدیل شده و بر سطح زمین فرومی‌ریزد. سرچشمه همه این آب‌ها چشمه اردوی سور آناهیتاست [۱۸، ص ۲۹۱].

1. Farakhkart  
2. Hoger  
3. Aosyn dom

در متون پهلوی دوره میانه، واژه اردوی سوره آناهیتا به دو خدای متفاوت و جدا اطلاق می‌شود: یکی اردوی سوره و دیگری ایزدبانوی آناهید است که ایزد اپام نپات را نیز باید به جمع آن‌ها افزود. یکی از منابع پهلوی در ارتباط با اسطوره آناهیتا کتاب بندهش است که در اواخر دوره ساسانی نوشته شده است. در کتاب بندهش ویژگی‌های متفاوتی از آناهیتا وجود دارد:

آناهیتا در فراخکرد به ناحیت نیمروز، به البرز فراز ایستد. پوئیدیک هم‌مرز او ایستد. میان آن «پوئیدیک<sup>۱</sup> و فراخکرد» دریای سدویس<sup>۲</sup> است که بند به ستاره سدویس دارد که ناحیت نیمروز و دریاها را به خویش کاری دارد، مانند ماه که گردش هر چیز اندر افزایش و کاهش که مد و جزر است.

درباره مد و جزر می‌گوید:

از پیش ماه دو باد فراز تازند، در سدویس خانه دارند. یکی برکشنده و دیگری فروکشنده است. بدان که برکشنده است، مد باشد و بدان که فروکشنده است، جزر باشد. هنگامی که آنچه ناپاکی و ستبری است از دریای شور به فراخکرد همی‌رود، به باد بزرگ و بلندی باز پس‌زده شود تا آنچه روشن است به پاکی در فراخکرد و چشمه گان «اردوی سور» شود.

در این کتاب، آمده است که برای کمک به هریک از ایزدان مختلف از جمله اردوی سوره آناهیتا فرستاده می‌شوند تا همدیگر را در نبرد با اهریمن یاری کنند. در فصل نهم، درباره ویژگی‌های دریاها آمده است:

دریای فراخکرد را که در کناره البرز است و هزار دریا در او جای می‌گیرد، چشمه گان اردوی سور می‌خوانند.

در بخش یازدهم، درباره بزرگ‌کرداری ایزدان مینوی چنین می‌خوانیم:

... اوش بام آن هنگام است که تیغ خورشید برآید، هنگامی که روشنی خورشید پیدا و تنش ناپیداست... او را همکار مینوی همه آب‌ها، اردوی سور آب آناهید، مادر آب‌هاست. نگه‌داری تخمه نران، چون از خون پالوده شود و نیز مادگان، چون بزایند و بار دیگر آبستن شوند، خویش کاری (وظیفه) اردوی سور است [۱۸، ص ۵۷-۵۹].

یکی دیگر از کتاب‌ها، گزیده‌های زادسپرم است. در این کتاب می‌خوانیم اردوی سور آناهیتا، نام دو ایزد است و هر بخش از نام او را متعلق به یک ایزد می‌داند. در بخش دهم درباره پیامبری زردشت آمده است:

آن‌گونه پیداست که دیگر روز که زردشت زاده شده پوروشسب، از آن پنج برادر که از تخمه کرپان بودند، یکی را فراخواند که نشان و نماد فرزند مرا بنگر. او رفت و پیش زردشت بنشست و سر زردشت را سخت پیچید تا کشته شود. هر مزد وی را پاسبانی کرد و بدان ده شب، سپندارمذ و اردوی سور و اردای فروردماه را برای سکونت به زمین فرستاد. آن‌گاه زردشت را هیچ بدی نیامد و دست آن کرپ فراز خشکید [۲۹، ص ۲۴-۲۶].

۱. Puiddig (خلیج فارس؛/وستا، کتاب بندهش ۷۴)

۲. Sadwes (دریای عمان؛ بندهش ۷۴)

در داستان دینیک، که حاوی عقاید دینی است و شامل ۲۸ هزار و ۶۱۱ واژه که در اواخر قرن نهم در ۴۲ موضوع تدوین شده است، آمده است آبی که از آردویسور اناهیتا می‌ریزد به اندازه تمام آب‌هایی است که در جهان جاری است. محل آردویسور سپهر است [۲۷، ص ۹۱۳].

### واژه اناهیتا در نظر نویسندگان و وجه تسمیه آن

آناهیتا یا آردویسور اناهیتا عنوانی است که او در *اوستا* با آن نام ظاهر شده است. نام او احتمالاً متشکل از سه صفت است. در حقیقت، طیف زیادی از معانی برای هریک از سه واژه «آردوی» و «سور اناهیتا» پیشنهاد شده است. مشکلات زبانی مهمی در رابطه با خوانش اوستا وجود دارد [۱۹، ص ۵۸]. نظر بارتولمه در این مورد به اختصار چنین است:

«آردوی»<sup>۱</sup> اسم مؤنث، نام رودخانه‌ای اساطیری، غالباً با سورا و آناهیتا<sup>۲</sup> توأم می‌آید. در یشت پنجم نام رودخانه‌ای است که از هوکریه به دریای وروکشه می‌ریزد. آردوی<sup>۳</sup> در اصل به معنای «رطوبت و نمناکی» است. سورا صفت، به معنای «نیرومند» در سنسکریت سورا، در فارسی میانه: سورن. در فارسی نو: سورهان آهیت<sup>۴</sup>؛ صفت مفعولی به معنای «آلوده» در هند و اروپایی ساتو<sup>۵</sup>. در فارسی میانه آهوک<sup>۶</sup>: در فارسی نو: هوا<sup>۷</sup> گناه، آن-آهیتا صفت به معنای «بی‌آلایش و پاک» [۳۱، ص ۱۵].

نظر راشلیت درباره وجه تسمیه آردویسور اناهیتا چنین است:

آردوی اسم مؤنث، به معنای نم، رطوبت، در سنسکریت ردو<sup>۸</sup> نام رودخانه‌ای است اساطیری سوراصفت به معنای قوی، نیرومند «آن-آهیتا؛ صفت به معنای بی‌آلایش» [۳۱، ص ۱۶].

جزء اول این نام مرکب، آردوی، از بارتولمه به بعد به وسیله بسیاری از محققان برای ذکر کردن رطوبت به منزله صفت استفاده شد [۴۶، ص ۵۸]. بسیاری از ایران‌شناسان، از جمله بارتولمه، اعتقاد دارند که آناهیتا به معنای «پاک» است و متشکل از an که پیشوند نفی است و آهیتا صفت مفعولی از āh به معنای معیوب [۳۱، ص ۱۷]. «آردوی» که اغلب آن را به معنای رطوبت گرفته‌اند؛ کلنز با توجه به تحلیل‌های زبان‌شناختی «شایسته، کاردان، موفق» را برای آن مناسب‌تر می‌داند؛ در آغاز نام رودخانه مقدسی بوده و سپس شخصیت خدایی پیدا کرده

1. Aradvi
2. Sūrā-Anāhitā
3. arədvī
4. Sūrēn
5. Sūrhan āhita
6. sato
7. āhōk
8. hōā
9. rdū



است. آناهیتا همتای ایزدبانوی سرسوتی<sup>۱</sup> (بانوی صاحب آب‌ها) در آیین ودایی است. به نظر لومل «اردوی» در اصل صفت «سرسوتی» بوده است که در هند به رودخانه کوچک بسیار مقدسی در «مَزدیسَا»<sup>۲</sup> در ناحیه پنجاب کنونی اطلاق می‌شود. در ایران، بر اثر تغییرات گویشی این نام به «هرخوتی»<sup>۳</sup> تبدیل شد و نام ناحیه‌ای پررود شد که امروزه مرکز قندهار در افغانستان است. در *اوستا*، این نام هاراخایتی<sup>۴</sup> در فارسی باستان و در یونانی آراخوزیا (رخود یا رخج امروزی) ضبط شده است. در آغاز، هرخوتی مظهر رودخانه عظیم اساطیری بود که از بلندی‌های کوه مقدس «هرا» سرازیر می‌شد و به دریای «وروشه»<sup>۵</sup> یا «فراخکرت» می‌ریخت و سرچشمه همه آب‌های دنیا بود. با وجود این، نقش خاص اساطیری، آناهیتا به هیچ دور طبیعی، چون آمدن روز و شب، برخلاف دیگر ایزدان مزدایی همچون میثره و همیارانش وابسته نبود [۱۶، ص ۱۹]. اندک‌اندک نام ایزد سرسوتی فراموش شد و دو صفت آن «اردوی» و «سوره» جای آن را گرفتند. سوره یا سورا، بخش دیگر نام این ایزدبانو به معنای «نیرومند» و «پررود» است؛ صفتی که به رودخانه‌ای پرآب و تند و تیز داده می‌شد. در بندهش نیز منظور از اردویسورا رودی است پاکیزه که به همه آب‌های در آسمان و زمین می‌ریزد. برخی چون اشتاسبرگ<sup>۶</sup> نام اصلی آناهیتا را همان آپ می‌دانند که به معنای «رودخانه» شده است. به نظر کلنز، این فرض نامحتمل نیست؛ چون در *اوستا*، قایل شدن نامی خاص برای رودخانه‌ها سابقه دارد. از آن جمله است سومین لقب و مشهورترین لقب این ایزدبانو، آناهیتا، که در کتیبه‌های اردشیر هخامنشی و در بسیاری از متن‌ها آمده، ظاهراً در زمان هخامنشیان بر نام او افزوده شده و به معنای «پاکی» و «بی‌آلایشی» است؛ همانند خود آب. ظاهراً افزوده شدن لقب آناهیتا در زمان هخامنشیان بر نام این ایزدبانو به منظور یکی کردن ایزدبانوی ایرانی روده‌ها (هرخوتی اردوی سورا) با ایزدبانوی غیرایرانی باروری بوده است که یونانیان او را آنایتیس می‌خواندند. این نام در پهلوی آناهید و در فارسی ناهید می‌شود [۱۶، ص ۲۰]. بویس معتقد است که نام آناهیتا برگرفته از تشابهی اسمی با الهه یونانی آناهیتی<sup>۷</sup> است [۴۶، ص ۵۹].

## آناهیتا در دوره هخامنشیان

رواج مناسک اردوی سورا آناهیتا در میان مردم و توجه عمومی به این ایزدبانو قبل از زردشت، پیامبر ایران باستان، وجود داشت، ولی در دوره زردشت، مانند دیگر خدایان ایرانی کنار گذاشته

1. araswati
2. Mzydsa
3. Hrkhvty
4. Haraxaiti
5. Vrukshh
6. Ashtasbrg
7. Anāhiti

شد. ولی بار دیگر در آیین مزدیسنا پرستش آن دوباره آغاز شد. توجه به آناهیتا ظاهراً از عصر هخامنشی (۵۵۷-۳۳۰ ق.م) و از زمان اردشیر دوم آغاز شد؛ زمانی که آن را با ایزدبانوی ایران غربی، آناهیتی که در منابع یونانی آنایتیس<sup>۱</sup> شناخته می‌شود، یکی شمردند. آن‌ها در واقع آناهیتی را با هاراهویتی آرادوی سورا آناهیتا<sup>۲</sup> یکی کرده و به ستایش آن پرداخته‌اند. برای نخستین بار اردشیر دوم (۴۰۴-۳۵۸ پ.م) از این الهه یاد کرده و وی را هم‌مقام اهورامزدا ذکر می‌کند. در کتیبه شوش، این پادشاه از اهورامزدا، ناهید و مهر کمک می‌طلبد [ص ۱۸، ۲۳۸]. به گفته مری بویس؛ توصیف شمایل آناهیتا در آبان یشث مدیون دستور اردشیر دوم هخامنشی است و به احتمال زیاد همان شکلی است که در معابد پرستش می‌شد [ص ۱۳، ۵۲].

## دوره سلوکی

معابد آناهیتا، که اردشیر دوم بنیان نهاده بود، پس از لشکرکشی اسکندر و در عصر سلوکی نیز برجای ماندند؛ گرچه از غارت مصون نماندند؛ معبد آناهیتا، واقع در همدان، دو بار غارت شد و قطعات زرین و سیمین بام آن به تاراج رفت. به گفته دیاکونوف، از مراکز مهم دیگر ستایش آناهیتا شهر شیز در ماد آتروپاتن و نیز معبد آناهیتا در شوش بوده است؛ که بسیاری در این دوره معروف بوده و از دستبرد مقدونیان مصون ماند بود. به قول پولیبیوس، پادشاه سلوکی، آنتیوخوس چهارم معروف به ایپفانوس برای آنکه پولی به خزانه تپی خود برساند، قصد غارت آنجا را کرد، اما مردم شوش با او جنگیدند و او را مجبور به بازگشت کردند. آنتیوخوس در راه عقب‌نشینی دیوانه شد و در پارس درگذشت. مردم آن را نتیجه عقوبتی می‌گفتند که ایزدبانو آناهیتا برای او در نظر گرفته بود [ص ۱۶، ۶۹].

## دوره اشکانیان

در دوره اشکانیان، بلخ از مراکز مهم پرستش آناهیتا به شمار می‌رفته است. تیرداد اول، پادشاه اشکانی، در معبد آناهیتا تاج‌گذاری کرد. این پرستش‌گاه در همدان (مقر تابستانی پادشاهان پارتی) بود. «شیز» مرکز عظیم دینی ماد آذر بایگان (تخت سلیمان امروزی) متعلق به آناهیتا بوده است. گیرشمن معتقد است که همه معابد ایرانی در این دوران به رب‌النوع ناهید تعلق داشته است. به نظر می‌رسد که تثلیث اهورامزدا- آناهیتا- مهر، که در دوران هخامنشیان وجود داشته، در دوران پارتیان نیز مورد توجه بوده است. از میان سه خدای اهورامزدا- مهر و ناهید، ناهید در خارج از مرزهای ایران نیز ارج نهاده می‌شد و مورد احترام بود. پرستش او در لودیسه، کاپادوکیه و ارمنستان رایج بوده است [ص ۳۱، ۷۸].

1. Anaitis  
2. Harahvaitī Arədvī Sūrā Anāhitā

## دوره ساسانیان

شکوه و بزرگی آناهیتا در دوره ساسانی به اوج می‌رسد. ساسانیان پرورش‌یافته معبد آناهیتای استخر بودند. نخستین شاه ساسانی، اردشیر اول، در معبد آناهیتا تاج‌گذاری کرد و آخرین آن هم، پس از رایزنی هیربدان، در معبد آناهیتای استخر به نام یزدگرد سوم انتخاب شد [۲۳، ص ۱۱۴]. در مورد شاپور اول، پسر و جانشین اردشیر، بی‌دلیل نیست که او دختر خود را آدور-آناهید (آناهید آتش) نام‌گذاری کرد که بعدها همسر شاپور شد و عنوان بانیشان بانیشن، به‌معنای شهبانوی شهبانوان، لقب یافت. این نام نیز بستگی و تعلق خاندان ساسانی را به معبد آناهید استخر به خاطر می‌آورد. ساخت معبدی در بی‌شاپور برای آناهیتا در مجاورت کاخ سلطنتی توسط شاپور اول صورت گرفته است. نرسه در کتیبه پایکولی، آن هنگام که از سوی بزرگان و درباریان برای عزیمت از ارمنستان به ایران‌شهر خوانده می‌شود، «هرمزد و همه ایزدان و آناهید بانو» را به یاری می‌خواند [۱۶، ص ۷۰]. تصویرپردازی‌هایی از آناهیتا روی ظروف فلزی این دوره، که مربوط به سده‌های ۶ و ۷ میلادی‌اند، انجام شده است. آناهیتا روی ظروف با پوشش و ظاهر متفاوتی از نظر؛ نوع لباس، ژست بدن و نوع متفاوت شی روی دست‌ها متجلی شده است. از نمادهای ایزدبانوی آناهیتا می‌توان به گل نیلوفر، انار، کبوتر (پیک آناهیتا) و سبو (کوزه) اشاره کرد [۲۶، ص ۲۴]. امکان بازنمایی آناهیتا در تصاویر سکه‌ها و نقوش برجسته سنگی و ظروف فلزی در این دوره با مقایسه تطبیقی با دیگر الهه‌ها و آثار همراه وی قابل مشاهده و تحلیل است؛ به طوری که او در سکه‌ها و نقوش برجسته حضوری بسیار قدرتمند دارد و در حالت‌های مختلف به تصویر کشیده شده است: اعطای مقام شاهی، نگهبان آتش، در حالت طنز و ... .

## بازنمایی الهه آناهیتا در دوره ساسانی

### نقش آناهیتا در سکه‌ها

#### آناهیتا در سکه هرمزد اول ساسانی

به احتمال قریب به یقین، می‌توان اظهار داشت که نخستین بازنمایی از آناهیتا را در آثار مربوط به دوره ساسانی می‌توان بر پشت سکه هرمزد اول (۲۷۲-۲۷۳م) مشاهده کرد. اندام زنانه او کاملاً در سکه مشخص است. تاج دندان‌داری بر سر دارد. توده‌ای از موهای مجعد در پشت سرش دیده می‌شود. دو حلقه روبان بلندی از موهایش آویخته شده است و از بالای تاجش یک کاکل مجعد برآمده است. یک شیء، که به احتمال زیاد برسم است، در دست گرفته است. تاج دندان‌دار و برسمی که همراه خود دارد مطابق با توصیفاتش در آبان‌یشت ۳ است. لباس آناهیتا در قسمت شلوار چین‌هایی دارد که در دم پای گشادی آن به حداکثر رسیده است. این لباس

شبیبه لباسی است که آناهیتا در نقش برجسته شماره ۸ نقش رستم بر تن دارد. او در این تصویر در کنار آتشدانی ایستاده است و رو به شاه، که در سمت چپ آن آتشدان قرار دارد، در حال نیایش آتش است.

#### آناهیتا در سکه بهرام دوم ساسانی

آناهیتا بر سکه‌های بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م) نیز تصویر شده است. در یکی از این سکه‌ها، او در حالی که در سمت راست آتشدان ایستاده است، حلقه تاج‌بخشی را به سوی شاه، که در طرف دیگر آتشدان قرار گرفته، اعطا می‌کند. نوع آرایش موها و شعاع‌های بالای سرش همانند سکه‌های هرمزد اول ساسانی است و روبانی از پشت سرش کاملاً مشخص است. روی لباسش شنلی دارد که همانند تصویر او در نقش رستم با کمر بند نازکی در زیر سینه‌اش بسته شده است.



شکل ۱. پشت سکه هرمزد اول ساسانی، شاه و الهه آناهیتا در کنار آتشدان، محل نگهداری کتابخانه و موزه ملی ملک [۶، ص ۲۵۴]



شکل ۲. پشت سکه بهرام دوم ساسانی، الهه آناهیتا در حال اهدای دیهیم به شاه در کنار آتشدان، محل نگهداری موزه ملی ملک [۶، ص ۲۵۴]

در یک نمونه دیگر از سکه بهرام دوم، تصویر آناهیتا را بر دو روی سکه مشاهده می‌کنیم. روی سکه: آناهیتا در روبه‌روی شاه و ملکه تصویر شده، در حالی که در حال اهدای دیهیم یا

حلقه قدرت است. در پشت سکه هم در حال اهدای دیهیم به شاه ساسانی است. آناهیتا در این سکه، برخلاف توصیفاتش در آبان‌یشت، به جای تاج دندان‌دار کلاهی بر سر دارد. این کلاه به سر پرنده‌ای ختم می‌شود. پرنده‌گان در باورهای زردشتیان از نشانه‌های ایزدی به شمار می‌روند. نکته جالب توجه این است که کلاهی که ملکه بر سر دارد همانند کلاه ایزدبانو آناهیتاست که در اینجا نقشش می‌تواند همسر بهرام دوم باشد که در چهره ناهید است و «فر» این ایزدبانو، علاوه بر شاه، شامل ملکه شده است<sup>۱</sup> [۳۲، ص ۱۵۰]. به معنای دیگر، در اینجا به ملکه هم جایگاه و اعتباری همچون شاه داده شده و صاحب فر ایزدی شده است.



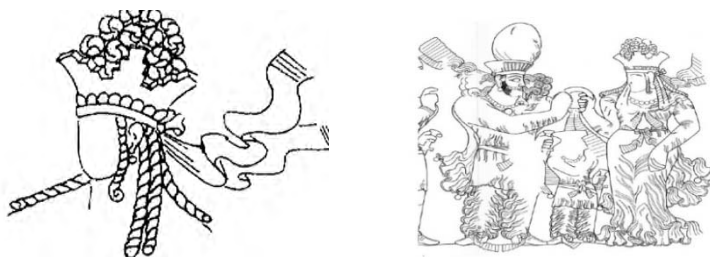
شکل ۳. سکه بهرام دوم ساسانی، در دو وجه سکه، الهه آناهیتا در حال اهدای دیهیم به شاه است. محل نگه‌داری کتابخانه و موزه ملی ملک [۴۰، ص ۴۳۱].

### آناهیتا در نقش برجسته و مقایسه با دیگر مناطق

#### نقش برجسته نرسی در نقش رستم

در این نقش برجسته شاهنشاه نرسه در وسط صحنه نقش شده است و آناهیتا در سمت راست صحنه قرار دارد. شکل بدن او به حالت تمام‌رخ و از روبه‌رو نشان داده شده، درحالی‌که سر به‌طرف آناهیتا، که در مقابل او قرار دارد، برگشته و به صورت نیم‌رخ حجاری شده است. او دست راست خود را به‌منظور گرفتن حلقه سلطنتی که از جانب آناهیتا به وی تفویض می‌شود، دراز کرده و با دست چپ قبضه شمشیری را که در پهلوی چپش آویخته نگه می‌دارد. در این نقش برجسته، آناهیتا تاج کنگره‌داری بر سر دارد و گیسوان کپه‌شده در بالای سر به‌صورت یک توده موی فرفری نمایان است. گیسوان بلند بافته و کلاف‌شده از پشت و بالای شانه‌ها آویزان است و طره موج‌داری نیز از شقیقه آویخته شده است (شکل ۴ و ۵) [۳۰، ص ۴۳].

۱. البته محققانی مانند احسان یارشاطر در *ایرانیکا* این نقش را متعلق به آناهیتا نمی‌دانند.



شکل ۴. طرحی از نقش برجسته نقش رستم [۴۸، ص ۶۱۷]؛ شکل ۵. طرحی از نیم تنه بالایی آناهیتا در نقش رستم [۳۰، ص ۴۶]



شکل ۶. ستون پیکره‌های معبد آمفیپولیس<sup>۱</sup> در مقدونیه [۴۳، ص ۹۷]

با بررسی چند نمونه از پیکره‌های یونانی و رومی این سبک آرایش مو، یعنی رشته گیسوهای بافته شده و آویخته شده روی شانه‌ها، را می‌توان مشاهده کرد؛ مثلاً، در دو ستون، پیکره زن معبد آمفیپولیس<sup>۲</sup> مقدونیه که در داخل جبهه ورودی تالار و در داخل دیوار کار شده‌اند، آرایش مویی به این سبک دارند (شکل ۶).

پیکره دیگری که سبک آرایش موی شباهت زیادی با آرایش موی آناهیتا در این نقش برجسته دارد، تندیس معروف به دیونیسوس<sup>۳</sup> است که در آن آفرودیت، الهه عشق و حاصل خیزی یونان، در کنار دیونیسوس، خدای شراب و می‌گساری در افسانه‌های یونانی، ایستاده است (شکل ۷). آفرودیت لباس بلندی بر تن دارد که قسمتی از آن را با دست چپش نگه داشته است. او کلاهی بر سر دارد، موهای بافت شده‌اش که بر شانه‌هایش افتاده است قابل مشاهده است (شکل ۸).

1. Amipolis  
2. Dioniso



شکل ۷. تندیس دیونیسوس همراه با آفرودیت؛ شکل ۸. تندیس دیونیسوس، محل نگهداری موزه فردریک شوپن<sup>۱</sup> در ورشو [۴۳، ص ۹۷]

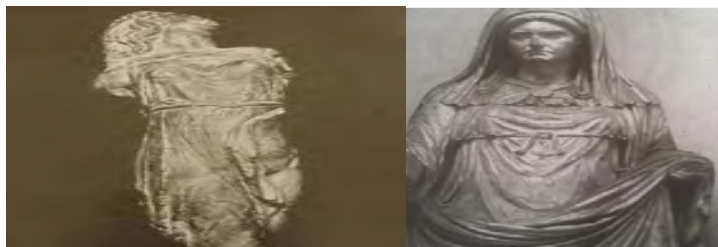
آناهیتا با این پوشش در این نقش برجسته، وظیفه ایزد آب را به خاطر می‌آورد [۳۶، ص ۸۷]. چین‌های جامه در هنر ایران باستان خیلی کم به تصویر کشیده شده است. شاید بتوان به چند نمونه از دوره هخامنشی اشاره کرد که در آن‌ها هم خیلی خشک و تصنعی کار شده است. پیکرتراشان یونانی و رومی مهارت زیادی را در این هنر از خود نشان داده‌اند. آثار آن‌ها از لحاظ به تصویر کشیدن تن و جسم پیکره و به تصویر کشیدن زیبایی‌ها، ظرافت‌ها، چین‌وشکن‌های جامه‌هایشان مورد توجه است (شکل ۹). به نظر می‌رسد، به تصویر کشیدن لباس چین‌دار آناهیتا در نقش برجسته‌های دوره ساسانی تحت تأثیر هنر پیکره‌تراشی یونان و روم بوده است.



شکل ۹. سفالینه یک زن یونانی، موزه لوور، قرن اول پیش از میلاد [۴۱، ص ۴۹]

نکته درخور توجه در لباس آناهیتا در این نقش برجسته، کمر تزئینی است که به شیوه زیبایی با یک بست تزئینی گره خورده است. با بررسی پیکره‌های رومی و یونانی، که در سده‌های اول میلادی ساخته شده‌اند، مشابه این کمر تزئینی را روی لباس‌های آن‌ها می‌توان مشاهده کرد (شکل ۱۰ و ۱۱). ویل دورانت (۱۳۶۵) در توصیف ظاهر یونانی‌ها به این اشاره می‌کند که «زنان گاهی کمربندی رنگین بر کمر خویش می‌بستند».

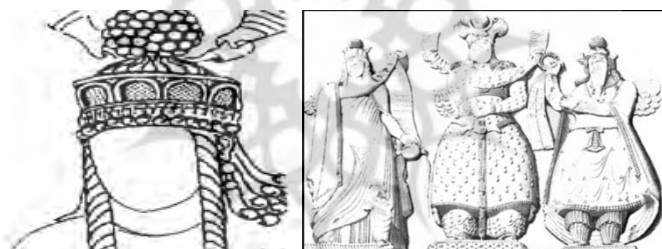
1. Frederic Chopin



شکل ۱۰. پیکره الهه وستال، سده اول میلادی؛ شکل ۱۱. پیکره رومی رامشگر دربار دیونوسوس، موزه ناپولی [۱۴، ص ۳۸۸]، موزه ناپولی [۱۴، ص ۲۶]

### آناهیتا در نقش برجسته طاق‌بستان

در انتهای طاق و بر جدار عقب آن دو نقش برجسته در دو طبقه حجاری شده‌اند که طبقه بالا مجلس تاج‌ستانی پادشاه ساسانی خسرو پرویز را از اهورامزدا با حضور الهه آناهیتا نشان می‌دهد. پادشاه در وسط ایستاده و حلقه سلطنتی را از اهورامزدا، که سمت چپ شاه تصویر شده است، می‌ستاند. در پشت شاه، پیکره الهه آب، آناهیتا، نقش شده است که او هم در حال اهدای حلقه سلطنتی به شاه است [۳۶، ص ۸۷].



شکل ۱۲. طرحی از نقش برجسته خسرو پرویز در طاق‌بستان [۱۱، ص ۵۳]؛ شکل ۱۳. طرحی از نیم‌تنه بالایی آناهیتا در طاق‌بستان [۳۰، ص ۴۶]

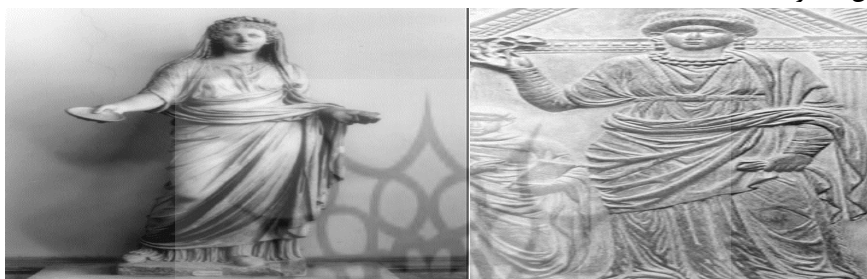
در این نقش برجسته، گیسوان الهه بالای تاج جمع شده و به وسیله یک نوار گره زده شده است. این موی موج‌دار شبیه یک گوی است. ردیفی از موهای موج‌حلزونی شکل، زیر پیشانی بالای صورت را فراگرفته است [۳۰، ص ۴۳]. دو رشته از گیسوان بافته‌شده آناهیتا از شقیقه تا روی سینه آویزان است که شبیه آرایش مویی است که آناهیتا در نقش رستم دارد. تاجی که بر سر آناهیتاست، تاج معروف او (تاج کنگره‌دار) نیست، بلکه نیم‌تاجی است که مشابه آن را اهورامزدا بر سر دارد. لباس آناهیتا به سبک یونانی (پارچه‌ای انگار خیس) که در ناحیه ران و شکم به بدن چسبیده است و اندام بدن زیر پارچه تا حدودی نمایان است [۴۴، ص ۸۵]؛ و بالای آن شنلی است که بر دوشش افکنده است. در هنر دوره ساسانی، پیکره‌ای از زن یا مرد



سراغ نداریم که شنل یا ردایی روی لباس خود پوشیده باشد. درحقیقت، این لباس، لباس رایج دوره ساسانی نبوده است. با توجه به توصیفات که از البسه یونانی شده و پیکره‌های یافت‌شده، می‌توان گفت که یونانی‌ها از بالاپوشی که نوعی شنل یا ردا بوده استفاده می‌کردند؛ به طوری که ویل دورانت [۹، ص ۳۲۴] این‌گونه شرح می‌دهد:

در آتن، لباس اصلی مردان چیزی شبیه به ردا و جامه زنان شال بلندی است که بر دوش خود می‌افکندند، ولی اگر کیفیت هوا ایجاب کند، روپوشی بر اندازند که آزادانه، به همان صورت دل‌نشینی که در مجسمه‌های یونانی می‌بینیم، چین و شکن می‌خورد.

تصاویر گنجانده‌شده نمونه‌هایی از پیکره‌های یونانی است که ملبس به شنل یا ردا هستند (شکل ۱۴ و ۱۵).



شکل ۱۴. تندیس لیویا همسر آگوستوس، موزه ناپولی [۴۷، ص ۴]؛ شکل ۱۵. تصویر سارنا، زن اشرافی رومی، موزه ناپولی (۴۰۰ میلاد) [۱، ص ۵۴۶]

## آناهیتا بر ظروف فلزی دوره ساسانی

### آناهیتا بر بشقاب نقره‌ای

بشقاب با نقش سه زن، که متعلق به قرن ۶ میلادی است، احتمالاً آناهیتا را در مرکز صحنه به نمایش گذاشته است. بدن او برهنه است و فقط ردایی به بلندای اندام، بر روی شانه راست او قرار گرفته و پشت او را پوشانده است. او با دست چپ خود، که رو به بالا نشان داده شده، سر ردا را گرفته و در دست راست خود گلی، به احتمال زیاد نیلوفر آبی، دارد. دو فرشته بالدار پای او را نوازش می‌کنند و دو فرشته سایه‌بانی را بالای سر او نگه داشته‌اند. در دو طرف تصویر، دو فرد دیده می‌شود که لباسی از شانه تا میچ پا بر تن دارند که در بخش بالای کمر، نقش و در بخش زیرین کمر توری دارد. این دو تن، کلاه بر سر دارند و شنل زیبایی بر بالای سرشان قرار گرفته که در نهایت به دور بازوی آنان پیچیده شده است. زنی که در سمت چپ قرار گرفته، با دست چپ خود جامی را بالا برده و با دست راست خود پرنده‌ای را گرفته است. زنی که در سمت راست قرار دارد، با دست چپ خود پرنده‌ای و با دست راست خود عوددانی را گرفته

است. پای هر دو نفر به صورت ضربداری قرار گرفته و گویی یک پای خود را به کناره بشقاب تکیه داده‌اند [۴۲، ص ۲۰].



شکل ۱۶. بشقاب فلزی دوره ساسانی، مزین به تصویر آناهیتا، محل نگهداری موزه متروپولیتن [۴۲، ص ۲۷]

تاج دندان‌داری که زن در مرکز صحنه تصویر شده بر سر دارد و گل نیلوفری که در دستش گرفته است، ما را به این باور که زنی که در مرکز بشقاب تصویر شده آناهیتاست، می‌رساند. نکته درخور توجه در تصویر این ظرف پیکره برهنه آناهیتاست. به تصویر کشیدن زنان برهنه در این دوره تاریخی سابقه ندارد، ولی در دوره ساسانی در ظروف فلزی با آن برخورد می‌کنیم که تحت تأثیر فرهنگ دوره هلنی است.

### تنگ‌های نقره‌ای

تنگ نقره‌ای با زمینه طلاکاری شده تصویر سه زن را نشان می‌دهد. هر سه زن، روی سطحی هموار و زیر طاق‌هایی شبیه به طاق‌های قوسی شکل ایستاده‌اند (شکل ۱۷ و ۱۸) [۴۲، ص ۲۲].



شکل ۱۷. تنگ نقره‌ای دوره ساسانی، محل نگهداری موزه ملی تهران؛ شکل ۱۸. تنگ نقره‌ای دوره ساسانی، مزین به تصویر آناهیتا، محل نگهداری (www.asia.si.edu) موزه ملی تهران [۳۸]

گل و پرندۀ از نمادهای ایزدبانو آناهیتا هستند. پرندۀ‌ای که در دست یکی از زنان است بیشتر شبیه کبوتر است. همان‌طور که گفته شد، درکل «پرندۀ» از نشانه‌های ایزدی زردشتیان بوده است. ظرف میوه اناری که یکی از زنان در دست خود حمل می‌کند درخور توجه است. انار نماد گستردۀ باروری و فراوانی در میان اقوام مدیترانه‌ای و خاور نزدیک و هندوستان است [۲۴، ص ۲۷۶]. بنابر اساطیر یونانی، آفرودیتۀ، رب‌النوع عشق، درخت انار را به دست خود در جزیرۀ قبرس کاشت و از ریختن خون دیو نوسوس، که او را باکوس هم خوانده‌اند، درخت انار سر برآورد. در یونان باستان، انار یکی از مختصات آفرودیتۀ بوده است [۳، ص ۳۶۵]. انار را در ایران باستان از مظاهر و نمادهای گیاهی ایزدبانو آناهیتا می‌دانستند [۳۷، ص ۸]. هاله‌ای که دور سر این زنان دیده می‌شود، ما را بیشتر به این نتیجه می‌رساند که این تصاویر جنبۀ مذهبی دارند و اینکه این زنان با هاله دور سرشان و نمادهایی که به همراه دارند شمایی از آناهیتا هستند. در هنر مذهبی، هاله جلوه‌ای از نور الهی است که در اطراف یا بدن شخص مقدس قرار می‌گیرد و قدرت ویژه او را نشان می‌دهد. هاله نور، تجسم و مظهر عینی فرّه است و به منزله نشانه ایزدی شمرده شده است. در «مهریشت» می‌خوانیم که دور سر مهر را هاله‌ای زرین فراگرفته و بر فراز کوه هرا برزاییستی (البرز) می‌درخشد و از آنجا سرزمین آریایی را نظاره می‌کند [۱۷، ص ۶]. معمولاً پیکره‌ای که به وسیله یک هاله احاطه شده را از بعد نمادین آن، در آشور با «یشتر» و در ایران به آناهیتا ارتباط می‌دهند [۷، ص ۱۰۸].

### تنگ نقره‌ای بدون دسته

در تنگ نقره‌ای دیگر متعلق به دورۀ ساسانی، تصویر چهار زن منقوش شده است. لباسی شبیه دامن پوشیده‌اند و همانند ظرف قبلی هاله‌ای دور سر دارند. یکی از تصاویر زنان درخور توجه است. او در دست چپ خود ظرفی دارد که حاوی سه انار است و در دست راست خود یک سبوی یا کوزه‌ای دارد که از درون آن مایعی در حال ریختن به بیرون است که به احتمال زیاد آب است. دقیقاً شبیه نقش برجستۀ طاق‌بستان که آناهیتا سبویی در دست دارد که آب از درون آن به بیرون می‌ریزد (شکل ۱۹). زن دیگری روی این ظرف، شبیه نمونۀ قبلی، دامن نازکی به تن دارد. هاله‌ای به دور سر او نشان داده شده است. او در دست چپش اناری به دست دارد و در دست راستش شیء نامشخصی گرفته است (شکل ۲۰).



شکل ۱۹. تنگ نقره‌ای دوره ساسانی، مزین به تصویر آناهیتا؛ شکل ۲۰. تنگ نقره‌ای دوره ساسانی، مزین به تصویر آناهیتا، محل نگه‌داری موزه متروپولیتن (www.edu.si.asia)، محل نگه‌داری موزه متروپولیتن [۳۸]

### تأثیر و تأثرات الهه بابلی ایشتر بر الهه آناهیتا

ایزدبانوی آناهیتا با الهه ایشتر، که الهه عشق و باروری بابلی است، وظایف و خصوصیات مشترکی داشته است. اما تفاوت‌های معنادار و بنیادین بین این دو وجود دارد؛ ایشتر الهه دوستدار مروج فحشاست و سرپرست روسپیان به در معابد ایشتر به شمار می‌آید. در حالی که آناهیتا دوستدار خانواده و پایبند به عشق درون خانوادگی است. ایشتر اصولاً میان عشق و ازدواج پیوندی نمی‌جوید، عشق را می‌ستاید، عشقی که به هم‌خوابگی بینجامد، اما در ازدواج هیچ شرط و نقش و تعهدی نداشته باشد. به همین دلیل است که دوشیزگان در معابدش زنا می‌کردند [۱۸، ص ۲۹۳]. از سمبل‌های ایشتر می‌توان شیر، اسب، ابوالهول و فاخته را نام برد. همچنین دایره‌ای که درون آن ستاره‌های هشت‌پر است، که نشان سیاره ونوس بود، با توجه به تأثیر گسترده فرهنگ آسیای غربی بر نواحی مختلف جوامع باستانی، شخصیت آناهیتای ایرانی نیز به شدت تحت تأثیر ایشتر بابلی است [۱۷، ص ۲۸]. در اسطوره ایشتر، به روشنی شباهت بین ایشتر و آناهیتا را می‌توان از روی آبان‌یشت مشاهده کرد. آناهیتا در آبان‌یشت هم چون ایشتر در اسطوره ایشتر ارتباط نزدیک با زایش دارد. هر دو ایزدبانوی آب هستند. هر دو با روشی و رشد و گیاهان ارتباط دارند. از الهه ایشتر تندیس‌های فراوانی برجای مانده است که توصیفات آن‌ها در آبان‌یشت این گفته را تأیید می‌کند که گویی سروده یشت مجسمه‌ای از آناهیتا در پیش چشم خود داشته است [۷، ص ۵۰]. اردشیر دوم هخامنشی نخستین بار در شوش، بابل، هگمتانه، دمشق و سارد مجسمه‌هایی از آناهیتا درست کرد [۱۲، ص ۲۲۱]. مهم‌ترین تأثیر ایشتر در شکل‌گیری شخصیت آناهیتا ساختن تندیس و معبد برای اوست که این نشانه تأثیر الهه بابلی بین‌النهرین بر ایزد ایرانی است [۵، ص ۵۱]. در نقش برجسته‌های بین‌النهرین، درخت از نمادهای اسطوره ایشتر است [۳۵، ص ۳۰۱]. با توجه به اشارات یشت و منابع تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی آناهیتا در دوره ساسانی صرفاً در وجه مادی و تزئینی از الهه ایشتر تأثیر پذیرفته و در حوزه وظایفی که مربوط به خانواده و عشق خانوادگی است، آناهیتا مروج عشق درون خانوادگی در ایران بوده است.

## نتیجه‌گیری

اسطوره‌ها، حافظهٔ جمعی یک ملت به حساب می‌آیند که در زمان خود، طریقه‌ای برای ایجاد حافظه به جهت یادآوری اعمال و سکنتات انسان به حساب می‌آمدند. اسطوره‌ها، خالق روایاتی بوده‌اند که جهان زیسته را به آن‌ها ارجاع دهند. چرای تبلور عینی آناهیتا در قالب یک زن بیانگر احترام و تقدس الهه‌ها و تعدد و تنوع آن در فرهنگ ایرانی است. آناهیتای هندو ایرانی در باورهای اساطیری خود همواره به منزلهٔ ایزدبانوی آب‌ها یا رودها شناخته شده است. او صاحب اقیانوس کیهانی و صاحب رودهای زمینی و آسمانی است. در متون تاریخی، به‌طور اخص در «آبان‌یشت»، آناهیتا با خصوصیتی همچون ایزدبانوی آب‌ها، عشق و باروری ظاهر می‌شود. صفاتی همچون عشق، جنگ و باروری متأثر از الههٔ ایشتار و آفرودیت و آتنا در آناهیتا پدیدار می‌شود. باور به صفات جنگی در آناهیتا در متون اوستا (آبان‌یشت کردهٔ ۶۵ و ۶۳) ظاهر می‌شود و توانایی این ایزدبانو را در مقابل دشمنان به خاطر می‌آورد. پادشاهان افسانه‌ای ایران، چون فریدون، گرشاسب، کاووس، کیخسرو، ضحاک و...، برای این ایزدبانو قربانی می‌کنند تا آناهیتا به آن‌ها یاری رساند. در بازنمایی آناهیتا بر مبنای شواهد باستان‌شناختی، این موضوع آشکار شد که آناهیتا در تأثیرپذیری از ایزدبانوان مناطق دیگر مانند؛ بابل، یونان، هند و ... از جوانب مثبت صفات آنان برخوردار شده است. آناهیتا در ایران الههٔ پایبند به خانواده و عشق درون خانواده است؛ درحالی‌که ایشتر در بین‌النهرین و آفرودیت و آتنا در یونان و روم مظهر عشق جمعی و همگانی تلقی می‌شدند. در بازنمایی‌های صورت‌گرفته می‌توان تأثیرات هنر دیگر در جنبه‌های مادی آناهیتا را مشاهده کرد. باوجود تأثیرات شکلی، این تأثیرات جنبه‌های معنوی، روح و کارکرد آناهیتا را در ایران باستان تحت تأثیر قرار نداده است. هرچند ترکیب‌بندی تصویری از آناهیتا در دورهٔ هخامنشی به‌منزلهٔ نمونه در فن پیکرتراشی ظاهر و پوشش تحت تأثیر هنر فنیقی و در دورهٔ ساسانی تحت تأثیر هنر یونانی ادراک می‌شود. برای فهم عوامل و متغیرهایی که به تغییر در بازنمایی‌های آناهیتا در دوره‌های مختلف تاریخی منجر شده است، آناهیتا از منظر زیست‌بوم‌شناسی فرهنگی، که محیط‌زیست را بستر اصلی تطور فرهنگی می‌داند، کاملاً در انطباق با محیط‌زیست خاص ایران شکل گرفته که همواره سرزمینی خشک و نیمه‌خشک بوده و آب عنصری مقدس تلقی می‌شده است. در این رویکرد، ساختارهای اجتماعی و سیاسی، مذهب، اسطوره و به‌طور کلی فرهنگ روی ساخت جوامع را تشکیل می‌دهند. با توجه به رویکرد اخیر، می‌توان اظهار کرد که زایش اسطورهٔ آناهیتا در فلات ایران بوده و در بستر زمان به جهت چهارراه بودن فلات ایران از حوزه‌های تمدنی دیگر در شکل، و نه در محتوا، تأثیر پذیرفته است.

## منابع

- [۱] اخوان اقدم، ندا (۱۳۹۱). «ستایش زندگی به‌عنوان باور زردشتیان نقش‌یافته بر ظروف فلزی ساسانی»، *کیمیای هنر*، س اول، ش ۲، ص ۱۵-۳۰.
- [۲] ارشاد، محمدرضا (۱۳۸۶). *گستره اسطوره*، تهران: هرمس.
- [۳] آوزمانی، فریدون (۱۳۹۰). «منظر آسمانی (نگاهی به رازهای ماه در ایران باستان)»، *مجله منظر*، ش ۱۴، ص ۹-۶.
- [۴] پاکاک، رابرت (۱۳۸۶). *صورت‌بندی‌های فرهنگی جامعه مدرن*، ترجمه مهرا مهران مهاجر، تهران: آگه.
- [۵] بهار، مهرداد (۱۳۷۷). *از اسطوره تا تاریخ*، به ویراستاری ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: چشمه.
- [۶] پوپ، آرتور؛ اکرم، فیلیس (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)*، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۷] تفصلی، احمد (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- [۸] توحیدی، فائق (۱۳۷۹). *فن و هنر سفال‌گری*، تهران: سمت.
- [۹] جوادی، شهره (۱۳۸۵). «سنگ‌نگاره خسرو پرویز در طاق بستان»، *مجله باغ نظر*، ش ۶، ص ۴۹-۶۱.
- [۱۰] حرم پناهی، ریحانه (۱۳۸۱). «ایزدبانوان، اهوراییانی ماندگار»، *کتاب ماه هنر*، ص ۱۲۲-۱۲۷.
- [۱۱] حیدری، نادر (۱۳۸۳). «بررسی تطبیقی حجاری‌های دوره هخامنشی با حجاری‌های دوره ساسانی در کرمانشاه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- [۱۲] داندمایف، م. آ (۱۳۵۲). *ایران در دوره نخستین پادشاهان هخامنشی*، ترجمه روحی ارباب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [۱۳] دریایی، تورج (۱۳۸۷). «زن در دوره هخامنشی»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، س ۲۲ و ۲۱، ش اول و دوم، ص ۵۰-۵۹.
- [۱۴] دورانت، ویل (۱۳۶۵). *تاریخ تمدن (یونان باستان)*، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، فتح‌الله مجتبائی و هوشنگ پیرنظر، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- [۱۵] دولوز، ژیل (۱۳۸۹). *افلاطون و وانموده، نمونه‌هایی از نقد پسامدرن سرگشتگی نشانه‌ها*، ترجمه مانی حقیقی، تهران: مرکز، چ ۶.
- [۱۶] رسولی، آرزو (۱۳۹۱). «آناهیتا در پارس (تحول مفاهیم، مناسک و سازمان دینی در عصر ساسانی)»، رساله دکتری رشته تاریخ، دانشگاه تهران، تهران.
- [۱۷] رضائی، ایرج (۱۳۸۹). «نگاهی تحلیلی به نقوش نمادین و نمادهای آیینی در هنر هخامنشی»، *مجله پیام باستان‌شناسی*، س ۷، ش ۱۴، ص ۱۰۱-۱۱۴.
- [۱۸] رضی، هاشم (۱۳۸۱). *دانش‌نامه ایران باستان*، ج ۱، تهران: سخن.
- [۱۹] زارفا، میشل (۱۳۸۴). *اسطوره و رمان: جهان اسطوره‌شناسی*، ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز، چ ۲.
- [۲۰] ستاری، رضا؛ خسروی، سوگل (۱۳۹۲). «بررسی خویش‌کاری آناهیتا و سپندارمذ در اسطوره و پیوند آن با پیشینه مادرسالاری»، *فصل‌نامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*، س ۴، ش ۱۲، ص ۹۸-۳۲۷.

- [۲۱] شریفیان، مهدی؛ اتونی، بهزاد (۱۳۹۰). «کهن‌نمونه «آب» و کارکرد آن در اسطوره و حماسه»، فصل‌نامه علمی و پژوهشی زبان و ادب فارسی، س ۳، ش ۴، ص ۳۱۱-۳۱۸.
- [۲۲] شین دشت‌گل، هلنا (۱۳۸۲). «صورت آب»، کتاب ماه هنر، ش ۵۷ و ۵۸، ص ۱۲۶-۱۲۹.
- [۲۳] صدر نوری، بابک (۱۳۹۱). «آبانگان یادمان ایزدبانوی آناهیتا»، ماه‌نامه ره‌آورد گیل، س ۹، ش ۲۲، ص ۱۱۲-۱۱۵.
- [۲۴] عادل‌زاده، پروانه؛ پاشایی فخری، کامران (۱۳۹۴). «بررسی انار در اساطیر و بازتاب آن در ادب فارسی»، فصل‌نامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، س ۸، ش ۲۷، ص ۱۱۲-۱۱۵.
- [۲۵] عقیقی، رحیم (۱۳۷۴). اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، مشهد: توس.
- [۲۶] عبداللهی، فرشته، (۱۳۷۵). در باره آناهیتا، ادبیات و زبان‌ها چیستا- ش ۱۲۶ و ۱۲۷، ۵۹۴-۵۸۸.
- [۲۷] فرنیغ دادگی (۱۳۹۰). بندهش، ترجمه از پهلوی به فارسی، مهرداد بهار (گردآورنده)، تهران: توس، چ ۴.
- [۲۸] کاظم‌زاده، پروین (۱۳۹۲). «تحلیلی بر دلایل شکل‌گیری اعتقاد به ایزدبانوان در ایران باستان»، پژوهش‌های ادیبانی، س اول، ش ۲، ص ۷-۹۴.
- [۲۹] گزیده‌های زادسیرم (۱۳۶۶). ترجمه راشد محصل، تهران: مؤسسه تاریخ فرهنگی.
- [۳۰] گلدمن، برنارد؛ زیدی، محسن؛ عطایی، محمدتقی (۱۳۷۸). «پوشاک زنان در دوره ساسانی» (۲)، مجله باستان‌پژوهی، ش ۵ و ۶، ص ۳۹-۴۷.
- [۳۱] گویری، سوزان (۱۳۸۵). آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی، تهران: ققنوس.
- [۳۲] مبینی، مهتاب؛ ابراهیم‌زاده، فرزاد. «بی‌تا». پژوهشی در نشانه‌های سیاسی و مذهبی سکه‌های ساسانی، فصل‌نامه علمی و پژوهشی تاریخ، س ۴، ش ۱۲، ص ۱۴۱-۱۶۲.
- [۳۳] مرادی غیاث‌آبادی، رضا (بی‌تا)، نوروزنامه (پنجاه گفتار در زمینه پژوهش‌های ایرانی)، تهران: نوید شیراز.
- [۳۴] معصومی، غلامرضا (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر اساطیر و آیین‌های باستانی جهان، تهران: سوره مهر، چ ۲.
- [۳۵] مورتگات، آنتوان (۱۳۷۷). هنر بین‌النهرین باستان، ترجمه زهراباستی و محمود رحیم صراف تهران: سمت.
- [۳۶] موسوی حاجی، رسول (۱۳۷۴). «پژوهشی در نقش برجسته‌های ساسانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- [۳۷] نیکخواه، هانیه؛ پورمند، حسن‌علی (۱۳۹۰). «بازشناسی نمادهای بنیادین مؤثر در شکل‌گیری هاله تقدس»، کتاب ماه هنر، ش ۱۵۴، ص ۵۲-۶۳.
- [۳۸] هال، جیمز (۱۳۸۳). فرهنگ نگاره‌ای تمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، چ ۲، تهران: فرهنگ معاصر.
- [۳۹] هاوس، رزالین هرست (۱۳۸۸). بازنمایی و صدق، ترجمه امیر نصیری، تهران: فرهنگستان هنر، چ ۲.
- [40] Curtis, V (2007) Religious iconography on ancient Iranian coins, british academy, 133: pp.413-434.
- [41] Eisenberg, j. Price, W. (2007) Art of the ancient world. New York: Royalathena, P69.
- [42] Freer|Sackler (2015; Ancient near eastern art: <http://asia.si.edu/collection/ancientneareast.asp>, (accessed 25 june 2015)

- [43] Grudeva,D(2015) The caryatids from the tomb in ginina mogila near sveshtari in Mediterranean context, Bulgarian e-Journal of Archaeology,PP 91-108.
- [44] Kenwright,S(2010), Clothing fit for a late roman lady.4p.
- [45] Rici,M. 2002, The cult of the Iranian goddess anāhita in Anatolia before and after Alexander, *Antiquit' vivante*, PP 197-210
- [46] Saadi-nejad,M(2013) Aredur sūrā anāhitā: an india European river goddess, *Analytica iranica*, 5:253-274
- [47] Sebesta,J.( 1997)Womens costume and feminine civic morality.*Gender & history*,3: PP 529-541.
- [48] Shenkar,M.( 2013)Agoddess or a queen? On the interpretation of the figure on the relief of narseh at naqš- e rostam, *International instate of the classical world*, 3614-633.
- [49] THEOI GREEK MYTHOLOGY (2015); Greek and roman sculpture: <http://www.theoi.com/gallery/s10.2.html>,(accessed 15 Aprill 2015).

